



معلم (شاعر) — آل احمد (نویسنده) — حسن حسینی (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل غالی (گرافیست) — شهید رسول قائم‌زاده (نکائی) — صفارزاده(نویسنده) — حمید سبزواری(شاعر) — مهرداد اوستا(شاعر) — اکبر خلیلی(نویسنده) — نصرالله مردانی (شاعر) — سواد نجفی‌شاهی(کارکنوبست) — حبیب‌الله معلمی (شاعر) — علیرضا قزوئه (شاعر) — محمدعلی گودینی (نویسنده) — علی محمودپژ (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده)

اربعین عاشقان...

■ اکبر خورده‌چشم



خوین‌جگران به نینوا پر گشتند
جان بر لبشان رسید تا بر گشتند
فرداربعین حسینی است، باورمان نمی‌شود
چهل چهل روز، چهل ماه، هزار و چهارصد سال از واقعه ی کربلا گذشته باشد. انگار همین دیروز و حتی ساعاتی قبل بود که در صحرایی گرم و سوزان سیاه جور و ستم بر سیاه اندک امام مظلومان تاختن گرفت تا به خیال خام خود برای همیشه خورشید حقیقت را به خاموشی تبدیل کند.غافل از این که حسین(ع) برای همیشه چون خورشید فروزان بوده و هست و خواهد بود و یاران پاک باخته اش هم چون ستارگانی گرگ‌اورد را گرفته اند.پس این خورشید روز به روز منورتر می‌شود که جوانمردان عالم به پرتو افشانی این خورشید نیازمندند.

خوب که چشم چرخانیم، همه جا پوی عاشورا می‌دهد؛ یاد عزادارانی که همه ساله به عشق آقا و مولایشان عزاداری می‌کنند،یاد و عظمت نگاه های پر اشک پیرمرد سقایی که به عشق مولایش، حضرت عباس(ع) مشک را بر تن رنجور خود حمل کرده و آن را می‌چرخاند و کاسه ای آب به همراه مقداری اشک تحویل عزادارانی می‌دهد،این روزها خیلی چیزها به یاد می‌آید، مثلاً مظلوم حسین(ع) گفتن آن کودک را در ذهن نداعی می‌کند که به عشق امامش به خیابان آمده بود تا به همگان بگوید او نیز با آن سن و سال کم خود، همچنان آتش معرفت و محبت مولایش، حضرت عباس(ع) را در دل دارد. راستی هنوز بر در و دیوار شهر رخت عزای حسین(ع) و یارانش خون‌نمایی می‌کند. هنوز خاک این زمین، بوی کربلا می‌دهد و هنوز خیابان ها و کوچه های شهرها و روستاها، هوای نینوا دارد. خوب گوش بدهیم؛ این صدا آشناست،صدای یاحسین(ع) یاحسین(ع) گفتنی که از همه جا شنیده می‌شود، گویی به‌جای صدای تیش قلب، این واژه ی مقدس یاحسین(ع) است که جای ضریان قلب را گرفته است؛ به راستی راز این ماندگاری در چیست؟

عاشورا، عاشورا! این روز بزرگ و سرنوشت ساز که هیچ گاه از خاطر بشریت محو نخواهد شد، در آن روز گرم که از آسمان آتش می‌بارید و لشگر اشقیای آب بر حسین(ع) و یاران و کودکانش بسته بودند تا به خیال شوم خود، این بزرگان را تسلیم خود کنند، در آخرین لحظات، این امام مظلومان ندا برآورد؛ هل من ناصر ینصرنی؟ آیا کسی هست که یارِیگر من باشد؟ به ظاهر حسین(ع) تنها بود و کسی جواش را نمی‌داد، ولی نه، این تاریخ بود که جواش را آرام زیر لب رزمزه می‌کرد و چهل روز بعد، چون کاروانیان داخل کربلا شدند و خاک قبور مبارک آن حضرت و دیگر شهدا را توتیای چشمان خود قرار کردند، به راستی معلوم شد به این کلام حسین(ع) همه ی جوانمردان که خون غیرت و همت در رگ هایشان جاری است،خواهند گفت:

« لیبک یا حسین... لیبک یا حسین»

می‌شنوید؟ آری، می‌شنوید؟ این صدای زنگ کاروان است؛ کاروان عشق که در صحرای معرفت به پیش می‌رود نه آن نور را جست و جو کند که خود نور است و روشنایی، بلکه نورافشانی می‌کند بدین اشتاب کرد. باید خود را رساند به این کاروان و همراه آن به سوی مقصد واقعی و متعالی رهسپار شد.

فردا اربعین حسینی است و باز کوچه ها و خیابان ها مملو از جمعیت عزادر خواهند شد. باز از همه جا صدای مظلوم حسین(ع) شنیده خواهد شد و باز همگان برخود خواهند بالید
پیرو امامی هستند که در برابر ستم و ستمگران تسلیم نشد و فرمود:

« بهایات مثل الله!»

فردا؛ آری فردا مثل همیشه، همه و همه خواهند گفت:

«این حسین(ع) نوری است که هیچ گاه خاموش نخواهد شد.»

آنچه ما را بر آن داشت تا این مختصر را برحسب وظیفه و تکلیف ینگاریم اظهارانی است که ملعون محترم امور فرهنگی در مورخ ۲۹ آبان در نشست به اصطلاح هم‌اندیشی اصحاب نشر به عنوان جمع‌بندی تامل و تعامل ۴۰ روز خود در معاونت مطرح کرده‌اند. ایشان قبل از آن که به مشکلات حوزه نشر بپردازند، ابتدا محورهای نگاه و رویکرد خود را در دوره جدید دولت برشمردند.

گفتمان‌های متکثر و متنوع در چارچوب قوانین کشور، زدایش نگاه امنیتی از نشر و ناشران، فعال‌سازی نهادهای صنفی عرصه نشر، شفافیت در خرید کتاب، بازخوانی و اصلاح ممیزی کتاب از طریق اصلاح قانون، از جمله محورهای نگاه ایشان بود که عمدتا چتری از سیاه‌نمایی اقدامات دولت‌های نهم و دهم را نیز بر سر خود داشت.

چون قصد ما، بررسی مشکلاتی است که معاون محترم در شش گروه ارائه کرده‌اند، لذا تنها نگاهی کوتاه به این رویکرد و محورهای مطرح شده می‌کنیم و بررسی مسوط را به وقت دیگر و مناسب می‌گذاریم.

مثلی است معروف که هر که نتنها به قاضی برود راضی بازمی‌گردد؛ این مثل در اینجا کلاما صدق می‌کند. چون امکان حضور و پاسخگویی متقابل برای کسانی که هشت سال در مقام فرهنگ در دولتهای قبل کار کرده‌اند وجود ندارد. اگر فرصت بحث و بررسی مشترک مسئولین قبلی و فعلی فراهم می‌شد قطعا اعتدال و تدبیر و انصاف در رویکردهای جدید از حد شعار فراتر رفته و مصداق عینی پیدا می‌کرد و از تجربه‌های انباشت این سالها نیز استفاده می‌شد، لیکن گویا قرار نیست این اتفاق بیفتد. ما که تجربه بیش از دو دهه حضور در عرصه نشر کشور را داریم، رویکرد و عملکرد دولتهای باصطلاح سازندگی و اصلاحات را از نزدیک دیده‌ایم و می‌دانیم این ایرادهای امروزی، نه مصداق عملی قابل توجه دارند و نه وعده‌ها و شعارهای مطرح شده، رنگ و بوی فرهنگ و اصلاح واقعی و بدور از سیاست‌زدگی و مقابله می‌شد و یک سوپیه‌نگری و بی‌عدالتی در فرهنگ موج می‌زد.

یادمان نمی‌رود که در ابتدای دوره دولت نهم و وزارت جناب آقای هردی، ایشان گفتند: بیش از ۱۳ میلیارد تومان کتاب در انبارهای ارشاد وجود دارد که نمی‌دانیم با آنها چه کنیم؟ چرا که از لحاظ موضوع و محتوا قابل توزیع در کتابخانه‌های عمومی نیستند، ضمن آن که چندین نوبت چاپ از یک کتاب از ناشران مشخص در میان این

ما که اهالی نشریم و طبعاً بایستی به این موضوع‌ها اشراف نسبی داشته باشیم، متحیریم و توجیه نشده‌ایم که چرا کسانی می‌آیند و کسانی می‌روند، آن هم در عرصه فرهنگ و در حوزه نشر کشور؟ آنکه رفت و به دنبالش بقیه رفتند چه عملکردی داشت و چه نقاط ضعف و قوتی، و دیگری که به جای او تعیین شده بقیه را می‌آورد، با چه هدف و عملکرد و نقاط قوت

افزون‌تر و نقاط ضعف کمتر می‌آید؟

کتابها، زیاد دیده می‌شود! مثلاً کتابی ۱۰ نوبت چاپ خورده و ۱۰ هزار نوبت خریداری شده و در انبار ارشاد انباشته شده است! و این در حالی بود که ما در حسرت این بودیم که تعداد معدودی از چاپ اول یک کتاب را از ما خریداری کنند!! از این نوع برخوردها و قصه‌ها فراوان است. خوب نبود معان محترم جدید، مصداقیهای نگاه امنیتی به نشر و ناشران را مطرح کنند تا ما و دیگر اهالی نشر مستندات رویکردشان را بدانیم. ما که در دولتهای به کشور را داریم، رویکرد و عملکرد دولتهای باصطلاح سازندگی و اصلاحات را از نزدیک دیده‌ایم و می‌دانیم این ایرادهای امروزی، نه مصداق عملی قابل توجه دارند و نه وعده‌ها و شعارهای مطرح شده، رنگ و بوی فرهنگ و اصلاح واقعی و بدور از سیاست‌زدگی و مقابله می‌شد و یک سوپیه‌نگری و بی‌عدالتی در فرهنگ موج می‌زد.

یادمان نمی‌رود که در ابتدای دوره دولت نهم و وزارت جناب آقای هردی، ایشان گفتند: بیش از ۱۳ میلیارد تومان کتاب در انبارهای ارشاد وجود دارد که نمی‌دانیم با آنها چه کنیم؟ چرا که از لحاظ موضوع و محتوا قابل توزیع در کتابخانه‌های عمومی نیستند، ضمن آن که چندین نوبت چاپ از یک کتاب از ناشران مشخص در میان این

دمیدن بر تنور « ممیزی» و نشانی غلط وزیر ارشاد

■ محمدصادق علیزاده

دیدگاه‌های رسمی ایشان در موضوع ممیزی

قربانی ندارند.

فی‌الحقیع معنادار است که بخش کتاب و ادبیات رسانه‌ای مانند بی‌بی‌سی فارسی با نادیده گرفتن بسیاری از رویدادهای این حوزه

در محدوده جغرافیایی ایران، ۱۴مورد از ۲۳ مطلبی که از بعد از رای اعتماد وزیر تا ۳۰ آبان در حوزه جغرافیایی ایران منتشر کردند، به طور مستقیم به بحث ممیزی، ضوابط نشر و نقد آن مربوط می‌شود.

مرور تیت‌های برخی از این مطالب خود به اندازه کافی گویاست که چه دیدگاهی در هباهوهای اخیر صاحب منفعت شده است: «نامه‌نویسندگان به وزیر ارشاد، سانسور را بردارید، خودمان پاسخگو می‌شویم»، «وزیر ارشاد: قرآن هم اگر وحی منزل نبود، میزبان تفویض کارهای اجرایی این حوزه به شکل‌های غیردولتی، شفاف‌سازی بحث خرید کتاب از جانب ارشاد، تجدید نظر نسبت به ارائه یارانه

کتاب در حوزه‌های مختلف نشر، نظارت جدی بر بازار کاغذ، نامشخص و مبهم بودن ضوابط نشر در حوزه ممیزی، عدم حضور جدی در نمایشگاه‌های بین‌المللی، ترجمه نشدن آثار فاخر فارسی به دیگر زبان‌ها، طولانی شدن پروسه صدور مجوز، ساماندهی اداری و قضایی و حمایتی ضوابط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاکید بر بخش‌های تنبیهی، افزایش کیفیت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران. در این میان اشاره‌های مختصر و کوتاهی هم به بحث ممیزی آن هم در قلم آنها مبهم بوده ضوابط آن شده که البته نه زیرسوال بردن اصل قضیه بلکه نقد به حوزه اجرا محسوب می‌شود. نکته‌دیگری اینکه این موضوع در کنار انبوه دیگر مشکلات حوزه نشر و در عرض آنها مطرح شده که در بخش‌ها و رسانه‌ها و البته مدد گاه و بیگاه اول حوزه نشر قرار بگیرد که به مدد مد‌های گاه و بیگاه برخی جریانات آلوده به اغراض سیاسی و رسانه‌ها و حتی جمله شخصی وزیر ارشاد، آن قدر بزرگ شود که انبوه دیگر مسائل مهم‌تر و کلان‌تر به چشم نیایند. محل

دامن زدن به این موضوع توسط برخی جریانات و رسانه‌ها و البته مدد گاه و بیگاه وزیر ارشاد به آن، اولویت‌های اصلی را جایجا کرده و با راندن مشکلات عمده و اصلی ناشران به قعر جدول، مسئله‌ای فرعی را در صدر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد وزیر محترم در صف افراد و جریاناتی قرار گرفته که حداقل با



adabhonar@kayhan.ir

دل‌نوشت یک ناشر:

حوزه نشر و دغدغه‌های کنونی

■ عبدالله مومن



این رویکرد آن را فرهنگی‌تر، منصفانه‌تر و همسوتر با انقلاب از دولتهای اصلاحات دیده‌ایم. کسانی که تلاشی می‌کنند تا برخی نارسایی‌ها و مشکلات موجود را به عنوان دغدغه‌های اصلی اهالی نشر جلوه دهند و

اموری همچون غیرمجاز اعلام شدن چند اثر یا لغو امتیاز یک ناشر را به صورت معضل بزرگ که دغدغه‌های اصلی را تحت‌الشعاع قرار دهد درآورد، راه به آن ترسنان می‌برند و

گرهی بر گره مشکلات می‌افزایند، چه بدانند و چه ندانند. طرح ادعای غلط و بی‌مصدق «ممنوع‌القلب» هم اقدامی شتابزده و دارای اهداف نامشروع است.

در مورد تشکلهای صنفی نشر و جهت‌گیری آنها به این مسئله بسنده می‌کنیم که به اذعان ناشران، بعضی از این تشکلهای آلوده و غیرمطمئن بوده و تلاشهای عناصر مسلحان برای تطهیر آن هنوز جواب کامل نداده است. اتکاء بدون دقت و شرایط لازم به این‌گونه تشکلهای، فرصت‌سوزی و بی‌سرنجام است. کارنامه بعضی اعتمادها در این سالها، این مسئله را به‌خوبی روشن می‌نماید.

بسی که در دو دولت اصلاحات، ارزشی از ارزشهای دینی و انقلابی نماند که مورد تعرض غیرعلمی و غیرمنطقی و هجوگونه قرار نگیرد تا ما و دیگر اهالی نشر شرایط و شاید مصداق اشاعه منکر باشد و جالب آن که متولیان آن روز، همه این جسرانها را طبق قوانین کشور می‌دانستند! یعنی قوانین را طوری تفسیر می‌کردند که بشود به مقدسات اهانت کرد! ما یقین داریم که معاون جدید امور فرهنگی چنین قصد برداشتی را نداشته‌اند، اما باید در به کار بردن الفاظ و در عمل دقت و مراقبت بیشتری داشت.

به مسئله اصلی این نوشتار، یعنی دغدغه‌های حوزه نشر و آنچه معاون محترم به عنوان مشکلات نشر دسته‌بندی و طرح نموده‌اند، بپردازیم. جناب آقای صالحی آن را رد می‌کردند، «چگونه از ممیزی کتاب عبور کنیم؟ توصیه‌هایی به وزیر ارشاد»، «نگور، شراب، خوک؛ دولت روحانی با سانسور کتاب چه کند؟»، «خالفات با سپردن سانسور کتاب به خود ناشران در ایران»، «وزیر ارشاد: ممیزی یک اصل حاکمیتی است که به عهده دولت است»، «وزارت ارشاد: ناشران تعلیقی و کتابهای توقیفی دردولت‌های قبل، بررسی می‌شود»، «خودتنظیمی ناشران ایرانی به جای سانسور وزارت ارشاد؛ نظرات شما».

نگارنده به خود اجازه نمی‌دهد وزیر را متهم به همراهی با چنین جریاناتی کند. فردی که ممیزی را از اصول حاکمیتی دانسته و با قاطعیت آن دفاع می‌کند، در جست‌وجوی راهی نیست که هیچ اعتقادی به ممیزی نمی‌چسبد. بحث آنجاست که سیره آقای جنتی و ضربید دادن بیش از اندازه ایشان به این مورد، سایر مشکلات این حوزه را به حاشیه رانده و رودخانه‌ای جاری کرده که آب آن قطعا به آسیب حاکمیت نمی‌ریزد؛که ایشان آن را در برابر خوراک فکری جامعه مسئول می‌داند که اگر مجموعه دولت را نفی از این جریان بود، این موضوع علی‌سره ماه‌آخیر در حرجی که توصیفش در بند قبل رفت، مورد استقبال بیگانه قرار نمی‌گرفت.

۱/۱ مشخص شدن مسیر حرکت فرهنگی کشور و منارلی که باید عبور کند تا به هدف برسد و از دغدغه‌های اصلی و اینکه هدف هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی چه شاخصه‌هایی در اختیار داشته باشد. ۱/۲ جلوگیری از اعمال سلیقه‌ها و برداشتهای شخصی و گروهی و همچنین سیاست‌زدگی و سیاسی‌کاری جناحی و حزبی در فرهنگ کشور. ۱/۳ هماهنگ سازی و هم پوشانی فعالیت‌های عموم متولیان نشر و کتابخوانی کشور در بخش‌های دولتی و خصوصی که در دیدگاه‌ها و هم در اقدامات با یکدیگر و هم‌افزایی توان تولید، توزیع و حمایت از نشر، ۱/۴ مشخص نمود موده‌ها و نارسائیهای حقوقی، قانونی و مقرراتی و بازنگری و تهیه قوانین لازم برای حرکت در نقشه راه تعیین شده حوزه نشر در کشور. ۱/۵ به وجود آمدن شاخص‌ها و مجموعه‌ای از ملاکها و معیارهایی که ارزیابی و قضاوت رویکرد و عملکرد مسئولین برای بالادستی‌ها و نیز ناشران و مؤلفان و دیگر تولیدکنندگان حوزه نشر را ممکن و اقسطار و تقریط، خودبینی و خودرایی‌ها، حب و بغض‌ها، تهمت‌ها و افتراها، جلوگیری می‌نماید.

۲- از دغدغه‌های اصلی و مهم دیگر ناشران در حوزه نشر، عدم تناسب بین ترویج مطالعه و فرهنگ کتاب، با کتابخوانی یا تولید قرار تزیع کتب است. در واقع عرضه کتاب

مهمی است که فرهنگ کتابخوانی را هدفمند و هوشمند می‌سازد و به طور طبیعی در افراد شوق به مطالعه و انگیزه کتابخوانی مستمر را افزون می‌سازد و خود پشتوانه بزرگی برای ارتقاء فرهنگ کتابخوانی خواهد شد. این مسئله هم بارها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده که در محاق غفلت قرار گرفته است.

۳- یکی دیگر از دغدغه‌های بزرگ اهالی نشر، که تاثیر بسیاری در نابسامانی فرهنگی کشور داشته است، آمد و شد مسئولین مختلف در رأس مهم‌ترین وزارتخانه دولت که متولی اصلی فرهنگ کشور است، می‌باشد. این دغدغه از دو جهت قابل طرح و بررسی است، یکی چرایی این تغییرات است و دیگری شرایط حداقلی برای تعیین مسئولین رده‌های مختلف امور فرهنگی است.

۳/۱- به نظر اهالی نشر، چرا بایستی با تغییر هر دولت، متولی فرهنگ کشور تغییر کند و این تغییرات با چرخش ۱۸۰ درجه نسبت به حرکت قبلی باشد؟ آیا فرهنگ ام‌ری است مانند اقتصاد که می‌توان به آزموں و خطا روی آورد؟ آیا فرهنگ که امری رفتاری و بینشی و باوری است، در یک نظام ثابت، می‌تواند متغیر باشد؟ آیا در کشورهای مدعی دموکراسی یعنی آمریکا و غرب و دنباله‌روهای آنان در شرق، نسبت به مبانی فرهنگی و رفتاری جامعه این گونه رفتار می‌شود که در ایران چنین می‌کنند؟

ما که اهالی نشریم و طبعاً بایستی به این موضوع‌ها اشراف نسبی داشته باشیم، متحیریم و توجیه نشده‌ایم که چرا کسانی می‌آیند و کسانی می‌روند، آن هم در عرصه فرهنگ و در حوزه نشر کشور؟ آنکه رفت و به دنبالش بقیه رفتند چه عملکردی داشت و چه نقاط ضعف و قوتی، و دیگری که به جای او تعیین شده بقیه را می‌آورد، با چه هدف و عملکرد و نقاط قوت افزون‌تر و نقاط

ضعف کمتر می‌آید؟ اگر ریل‌گذاری یعنی همان نقشه راه، انجام شده بود، باز دلمان خوش بود که این تغییرات خیلی در حوزه فرهنگ و نشر، اثر انگار نخواهد بود، اما انگشت به دندان می‌شویم که این نقشه و ریل را هم تعبیه و تهیه نکرده‌ایم و هرکس به فهم و استعداد خط و رسم خودش حرکت می‌کند و فرهنگ و نشر را دنبال خود می‌کشاند! بخصوص که اغلب اینان با نفی کامل گذشته و ادعاهای جدید مشغول به کار می‌شوند!ا وقتی مسئولین کشوری، به ویژه در حوزه فرهنگ و نشر، خود را از پاسخگویی به افکار عمومی، خالصه اهالی و نخبگان آن حوزه، مستغنی می‌دانند و تعاملات را در حد تایید نظرات و برنامه‌های خود می‌پسندند و انتخاب می‌کنند، این جا به جای‌ها، هم‌رگرم محصل و توجیه خود را پیدا نمی‌کند و به سرزدگمی‌ها و اشتغکی‌ها و مشکلات می‌افزاید.

حال و روز فرهنگ و نشر کشور مؤید این نکته است که تغییرات متولیان فرهنگی ما بنود نقشه راه، فرهنگ کتاب را که تجلی آن در آداب و رسوم و رفتارهاست، ارتقاء نمی‌دهد و اگر باورهای دینی نهادینه شده در مردم مانند فرهنگ شائسورا و اهل بیت علیهم‌السلام و حضور ولی‌فقیه و برکات این جا هدیه الهی و حوزه‌های علمیه نبود، قطعا نشانه مبتنی از فرهنگ بارور و بالنده و انسانی، نه حیوانی، در این کشور دیده نمی‌شد.

۲/۲- به نظر اهالی نشر، برای تعیین مسئولین و متولیان رسمی فرهنگ کشور بویژه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت‌های آن، خاصه در حوزه معاونت فرهنگی که تولید نشر کشور را برعهده دارد، بایستی شرایط لازم و ضروری را تدوین و رعایت کرد.حتی در صورتی که نشر کشور دارای ریل و نقشه راه هم باشد، مسئولین بایستی شرایط لازم را هر چه بیشتر دارا باشند. تقوا، تقلم، تخصص، درایت، توانمندی، ولایت‌پذیری به عنوان ستون خیمه اسلام، تقیید به باورها و فرهنگ و رفتار اسلامی ملی از جمله این شرایط است. به آنها، باید فرهنگ درست از فرهنگ و شناخت صحیح و جامع حوزه‌کاری را افزود، ما در این سه دهه دیده‌ایم مسئولینی را که حتی حداقل این شرایط را نداشته‌اند و بعضاً با خلیقات خود و با بدبینی و با بدبینی و مسته‌بوند، دیگری با باربوند و خوشبینی، یکی خودرایی و غیرمعتقد به کار جمعی، یکی داده و بدون استقلال رای، یکی بدون اطلاعات لازم از حوزه نشر و سابقه کار در آن، یکی خودگفا و دیاسته به سابقه و آشنایی قبلی خود!

یکی از عوارض این مسئله مهم را همگان دیده‌ایم و دودش به چشم مردم و فرهنگ کشور و اهالی نشر رفته است. شما وضعیت متولیان این وزارتخانه را در طول بدع از انقلاب مخصوصاً از اتمام جنگ تحمیلی مشاهده کنید؛ چه می‌بینید؟

یکی از وزراء، شده است رأس فتنه و هنوز هم بر تنور فتنی می‌دمد و از فرهنگ دیندی و ملی این ملت، فاصله‌ای عمو گرفته است، و به همین خاطر، ملت از ۹ دی سال همدستانش، بارها و به ویژه در ۹ دی سال ۸۸ برات و یبیزی جسته‌اند. یکی از وزراء، همکار و همپالایی دشمنان قسم‌خورده انقلاب مخصوصاً انگلیس کثیف و خبیث شده است و تا کم‌ر مقابل شاه

صفحه ۲

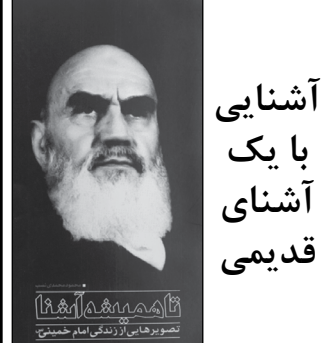
یکشنبه اول دی ۱۳۹۲

۱۹ صفر ۱۴۳۵ - شماره ۲۰۶۷۱



علی محمودپژ (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده)

معرفی کتاب



کتاب «تا همیشه آشنا» با خاطراتی از امام خمینی(ره) توسط انتشارات روزانه به چاپ رسید.

«تا همیشه آشنا» شامل بیش از ۳۰۰ خاطره از حضرت امام خمینی(ره) است که محتوای آن نیز توسط مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی مورد بررسی و تایید قرار گرفته است.

این کتاب دارای چهار بخش کلی انقلاب، جمهوری اسلامی، جنگ تحمیلی و رحلت است که در هر یک از این بخش‌ها به بیان خاطرات کوتاه از شخصیت امام خمینی(ره) پرداخته شده است.

انتخاب خاطرات منتشر شده در کتاب «تامیشه آشنا» در جهت معرفی بهتر وجوه مختلف شخصیتی رهبر کبیر انقلاب اسلامی صورت گرفته و زبان انتخاب شده در روایت نیز کاملاً امروزی و مناسب با سلیقه نسل جوان است.

در صفحه ۲۰۹ این کتاب می‌خوانیم؛ برای مشورت رفته بودیم پیشش. لازم بود یک کار سیاسی بپنهای کنیم.

دالایمان را گفتیم. آقا گفت: «کاری نکنید که تواناید به مردم توضیح دهید» «تا همیشه آشنا» به شمارگان ۳ هزار نسخه

در ۲۲۰ صفحه توسط انتشارات روزانه به چاپ رسیده است.

عربستان که دلارها و مزدورانش، مسلمانان بی‌نگاه را با قساوت می‌کشند خم می‌شود و به افتخار دستیابی نائل می‌شود تا چیزی از دلارهای خون‌آلود آنان به او هم برسد!او نقشه در خدیت با نظام اسلامی پیدا کند! یکی از معاونان فرهنگی، لباس روحانیت از تن خارج کرده و در غرب، به شهوترانی و کسپرمتی مشغول شده است! همانی که روزی می‌خواست کشور نشر و دیگر امور فرهنگی را حرکت و رشد دهد و ادعاها داشت که مرور آن هم انسان را آزار می‌دهد. چرا نباید این شرایط، مدون شده و مکاتیب، ارزیابی و احراز آن در افراد، مشخص شود!تا رؤسای دولتها نتوانند هر کسی را معرفی کنند و مجلس شورای اسلامی موظف باشد، براساس این شرایط و احراز آن، رای اعتماد بدهد؟

ایماند باشد که امام عزیزمان، خمینی بت‌شکن، تصدی مسئولین فاقد شرایط لازم را جایز نمی‌دانستند، چنان که نپذیرفتن افراد واجد صلاحیت را نیز غیرمجاز می‌دانستند. آیا این شرایط که به صلاحیت با عدم صلاحیت فردی را برای وزارت فرهنگ یا معاونت امور فرهنگی و متصدیان دیگر حوزه نشر مشخص می‌کنند، مهم‌تر از مشکل تزیع و... برای نشر کشور نیست؟

جمع‌بندی:

برای ربهیز از اطاله کلام، دیگر دغدغه‌های مهم‌تر از مشکلات بر شماری شده را به وقت دیگر موکول و خلاصه می‌کنیم که: درنشر کشور مشکلات عده‌ای وجود دارد که مسئولین ذی‌ربط به ویژه امور فرهنگی باید ظرفیت‌های مادی و انسانی خود و ناشران را برای برنامه‌ریزی دقیق بسیج کنند و آنها را حل نمایند، اما دو شرط اساسی و مقدم و مهم وجود دارد که بدون آنها این زحمتها به بار نخواهد نشست و «اصلاً ثابت و فرعه‌ای فی‌السماء» نخواهد شد.

یک: ربهیز از شتاب‌زدگی، سیاسی‌کاری، جناح‌گرایی و مقابله کاری است تا خدای تبارک‌ده‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های بدلی و فرعی، اصلی نشوند و فرصت‌کاری محدود، مسئولین صرف هموارسازی راه برای برخی کج‌روان و دنیاگرایان و دل و چشم به غرب دوخته و گریزان از فرهنگ اسلامی نشوند. فعالیت‌ها به مفهوم واقعی فرهنگی در خدمت اهداف و ارزش‌های متعالی اسلامی نظام باشد تا مشروعیّت پیدا کند.

دومی: اهتمام جدی به پیگیری و حل دغدغه‌های مهم‌تر از مشکلات بر شماری شده؛ یعنی تعیین نقشه راه جامع نشر کشور که همه اجزاء و موجودی صنعت نشر و تولید کتاب در آن دیده و هدف‌گذاری و مسیر حرکت و همپوشانی و رشد آنها مشخص باشد؛ تلاش جدی در ترویج فرهنگ کتابخوانی و هماهنگی با مراکز آموزشی و تربیتی و بسیج و مساجد برای به خط کردن مخاطبان نشر کشور در مسیر مطالعه و آسایش کردن کتاب در سبد خانواده‌ها؛ و تعیین شرایط مکفی و لازم برای مسئولیت‌های فرهنگی کشور و اهتمام به رعایت آنها در عزل و نصبها؛امیدواریم متولیان جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موفق شوند مشکلات نشر کشور را به طور ریشه‌ای حل کنند و از خود یادگار ماندگار و باقیات الصالحات برجای گذارند. آقا دید، آینده فرهنگ کشور باشدو حل مشکلات دیگر که حتماً بایستی حل شوند مانع از کار اصلی درازمدت نشود. آن‌شاهانه!